

در گردهمایی روز جهانی خانواده که از سوی انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران و اداره کل آموزش و پرورش تهران برگزار گردید، میزگردی با موضوع "استحکام خانواده در جهان و کشور جمهوری اسلامی ایران" تشکیل شد.

شرکت کنندگان در این میزگرد عبارت بودند از: سرکار خانم دکتر شکوه نوایی نژاد (استاد دانشگاه)، جناب آقای دکتر غلامعلی افروز (استاد دانشگاه)، جناب آقای دکتر باقر ساروخانی (استاد دانشگاه) و جناب آقای دکتر احمد به پڑوه (استاد دانشگاه)

اینک مشروح بیانات کارشناسان شرکت کننده در میزگرد مزبور از نظر گرامی تان می گذرد.



گردهمایی

روز جهانی خانواد

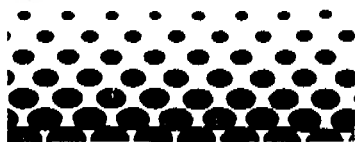
۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۴

15 May 1995

دکتر غلامعلی افروز:

مدتهاست که غریبها به این نکته پی برده اند که اگر در اندیشه سلامت جامعه هستند و اگر قوام و دوام جامعه را خواستارند، چاره‌ای جز پرداختن به "خانواده" وجود ندارد. چراکه هر قدر خانواده‌ها به عنوان سلولهای اصلی جامعه دچار تزلزل شوند، سرنوشت جامعه در معرض خطرها و مشکلات افزونتری خواهد بود.

به طور کلی در خانواده‌های از هم گسسته، یعنی خانواده‌هایی که در آنها پدر و مادر جدا از هم زندگی می‌کنند و یا در خانواده‌هایی که به گونه‌ای دچار مشکل هستند، مثلاً با این که پدر



استحکام خانواده

در ایران و جهان



چالشهای ذهنی را داشته باشد. زیرا شاید معلم نتواند همه نیازهای بچه‌ها را ارضا کند. پس نیازهای اساسی کودکان در درجه اول باید در آغوش خانواده برآورده شود.

خانواده مطلوب خانواده‌ای است که کودکان را به دور از تعارضهای روانی و عاطفی تربیت کند و آنان با آرامش روانی و به دور از احساس دوگانگی وارد مدرسه شوند. به بیان دیگر باید میان نظام ارزشی حاکم بر خانواده و نظامی که در مدارس ما حاکم است همراهی و هماهنگی وجود داشته باشد، تا بچه‌ها بتوانند با آرامش خاطر درس بخوانند و به شکوفایی ذهنی خود دست یابند. خانواده باید بستر شکوفایی خلاقیتها و نوآوریها باشد و خانواده زمانی می‌تواند نقش خود را در این زمینه بخوبی ایفا کند که از تعادل برخوردار باشد.

خانواده متعادل و متعالی خانواده‌ای است که در آن رابطه میان پدر و مادر آنچنان باشد که

ومادر باهم زندگی می‌کنند اما از یکدیگر تنفر دارند و الفت و عطوفت میان آنها وجود ندارد، بچه‌ها فاقد الگوهای مناسب شخصیتی هستند. این قبیل کودکان زمانی که وارد مدرسه می‌شوند با دیدی تردیدآمیز به شخصیت الگوی بزرگسالی چون معلم می‌نگرند و بنابراین احساس ایمنی نمی‌کنند.

کودکانی که از این خانواده‌ها وارد اجتماع می‌شوند کوله‌باری از تنبیه، تهدید و تحقیر به همراه دارند، لذا از بزرگسالان می‌هراسند و شخصیت بزرگسالان مورد نفرت ایشان است و این همه نتیجه بی‌توجهی خانواده‌ها نسبت به کودکان می‌باشد.

در نهایت ما به دنبال خانواده‌ای هستیم که نیازهای اساسی کودکان از قبیل نیاز به ایمنی و نیاز به محبت و مهربانی، به نحو شایسته‌ای در آن تأمین شود؛ تا کودکی که از چنین خانواده‌ای قدم به مدرسه می‌گذارد فرصت پرداختن به



شوند و در مقابل تهاجمات فرهنگی مصونیت یابند.

امروز برخی از روان‌شناسان شیوه "محبت درمانی" را که در فرهنگ غنی ما ریشه عمیقی دارد، به عنوان پدیده‌ای نو مطرح می‌کنند. یعنی اگر ما بچه‌هایمان را از چشمه محبت سیراب کنیم، آنان نیز با ما همانندسازی می‌کنند و تلاش می‌کنند تا شخصیت و رفتارشان مطلوب ما باشد.

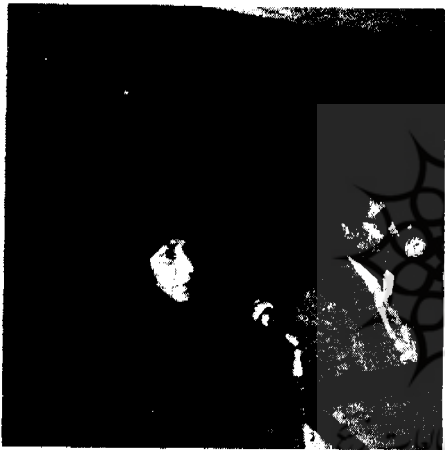
بر اساس بررسی‌های انجام شده در غرب میزان ارتباط کلامی میان پدر و مادر و فرزندان کمتر از یک دقیقه است. این در حالی است که کودکان و نوجوانان تشنه کلام پرمهر پدر و مادر هستند و هر قدر که میزان ارتباط عاطفی میان والدین و فرزندان کمتر باشد، آسیب‌پذیری آنان افزایش خواهد یافت.

خلاصه کلام آنکه برای رسیدن به هر هدفی در جامعه باید به خانواده توجه داشت و کار را

قرآن کریم توصیف می‌کند و هیچ کلامی چه از دید روان‌شناسی خانواده و چه از دیدگاه جامعه‌شناسی خانواده رساتر از کلام خداوند نیست که می‌فرماید: هَنِّ لِبَاسٍ لِّكَمْ وَ اَتَمْ لِبَاسٍ لِّهِنَّ - زن و شوهر همچون لباس برای همدیگر هستند. به هم گرم می‌بخشند، نیازهای یکدیگر را مرتفع می‌سازند و همدیگر را زیبا نشان می‌دهند. به عبارت دیگر زن و شوهر یک پوشش روانی، عاطفی و اجتماعی برای هم هستند و در سایه چنین ارتباط گرم و صمیمانه‌ای وجود بچه‌ها شکوفا می‌شود.

یکی دیگر از نتایج بارز رابطه صمیمانه میان زن و شوهر، مصونیت آن دو در مقابل آسیب‌های روانی - اجتماعی است. یعنی اگر به دنبال مصونیت فرهنگی فرزندانمان در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان هستیم، ابتدا باید رابطه میان پدر و مادر صمیمانه و محبت‌آمیز باشد تا در پرتو آن بچه‌ها نیز از چشمه محبت سیراب

در چهارچوب خانواده میسر می شود. روابط اجتماعی در محدوده خانواده و در قالب ارتباط پدر و مادر با یکدیگر (به عنوان زن و شوهر) و والدین و فرزندان فراگرفته می شود. مبانی ارزشی و اعتقادی را خانواده به فرزند می آموزد و چون این فراگیری در سنین کودکی صورت می گیرد در ذهن کودک نقش می بندد و اثر دوام بیشتری خواهد داشت. به بیان دیگر نخستین و عزیزترین معلمان و راهنمایان ما پدران و مادران ما بوده اند. به همین دلایل است



دکتر شکوه نوابی نژاد:

همه ما می دانیم که نهاد خانواده در مکتب غنی و فرهنگ اصیل ما تاجه حد حائز اهمیت است. خانواده در مجموعه نهادهای جامعه از نظر اندازه کوچکترین، ولی از نظر اعتبار و اثربخشی والاترین، مهمترین و عظیمترین نهاد اجتماعی است.

برای اثبات این ادعا دلایل بسیاری وجود دارد. اول اینکه خانواده کانون اصلی رشد و تعالی انسانهاست، به طوری که همه انسانهای بزرگ و رشدیافتگان سازنده جوامع در کانون گرم و مقدس خانواده پرورش یافته اند. خانواده کانون اصلی انتقال ارزشهای فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی است. در حقیقت نظام جوامع و قوانین و ارزشهای مطلوب جامعه به طور بنیادی از طریق خانواده به افراد منتقل می شود. از دیدگاه روان شناسی کلیه نیازهای انسان در خانواده برآورده می شود. یعنی خانواده دارای آنچنان قدرتی است که می تواند همه نیازهای انسان را به گونه های مختلف و در درجات متفاوت و متناسب با افراد خانواده تأمین کند. بقای نسل، تربیت نسل، ارضای مشروع نیازهای جنسی، تأمین نیازهای عاطفی و امنیت

دکتر باقر ساروخانی:

خانواده را به عنوان یک میراث اجتماعی تعریف می کنیم. خانواده یکی از مقدس ترین

میثاقی که به این ترتیب بسته می‌شود، به حق یکی از جاودانه‌ترین میثاقهای حیات ماست.

در این صورت ما در صدد هستیم که خانواده هر روز تعالی بیشتری پیدا کند. ما امروز معتقدیم که باید در درون خانواده تعامل پیوسته وجود داشته باشد. یعنی اگر فرض کنیم که مردی بر حسب کارش دیر به خانه می‌آید، همسر او در این اندیشه است که شوهرش هنوز برای خانواده کار می‌کند و او و فرزندانش در خانه استراحت می‌کنند و مرد نیز این اندیشه را در سر دارد که تا آن ساعت شب همسر و فرزندانش را تنها گذاشته است و لذا می‌کوشد تا هر چه زودتر به خانه برگردد.

بنابراین خانواده‌ای که ما در انتظار ایجادش هستیم، خانواده‌ای است که کانون عشق باشد، القبای عشق را به فرزندان خود بیاموزد و اولین گامهای کودک را با محبت اداره کند. به این ترتیب از چنین خانواده‌ای محصولی به دست خواهد آمد که تضمین کننده آینده جامعه است. هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق، ثبت است بر جریده عالم دوام ما و خانواده می‌تواند و باید الگوی تمامه عشق باشد.

دکتر احمد به‌پژوه:

درباره خانواده هر قدر صحبت بشود، در واقع کم است. چراکه صحبت درباره خانواده، یعنی صحبت درباره رشد و تعالی انسان. بدون شک همگان مستحضر هستند که خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی همواره محور تشکیل اجتماعات بشری بوده و

دستاوردهای جامعه ما و هر جامعه امروزی است. بنابراین باید این واحد مقدس را عزیز بداریم.

خانواده در تاریخ حیات بشری یکی از پایدارترین نهادهای اجتماعی است و شاید کمتر نهاد اجتماعی است که این چنین در جای جای جهان وجود دارد. علت این است که خانواده تضمین کننده ثبات شخصیت و تعادل روانی انسانهاست. هیچ جامعه‌ای نیست که ادعای سلامت کند، اما از خانواده‌های ناسالم تشکیل شده باشد.

وقتی که در مورد آسیبهای اجتماعی مطالعه می‌کنیم، سرخ خانواده را در آنها می‌یابیم. بنابراین خانواده سالم بحق یکی از مقدس‌ترین نهادهای اجتماعی است که از نیاکان ما به دست ما رسیده و ما نیز مسؤول نگهداری از آن و انتقال آن به نسلهای بعدی هستیم.

به یقین امروز خانواده باید پاسخگوی نیازهای تازه انسانها باشد. به عبارت دیگر خانواده امروز باید با جامعه جدید منطبق شود. امروز باید هرم قدرت در خانواده تغییر کند، زیرا ما به یک هرم افقی قدرت در خانواده نیاز داریم، یعنی دموکراتیزه شدن خانواده. به بیان دیگر ما باید القبای دموکراسی را در خانواده بیاموزیم. در مورد ازدواج نیز چنین است. بنابراین ما در این اندیشه هستیم که در جای جای کشورمان مراکز مشاوره و راهنمایی خانواده ایجاد شود.

خانواده محصول عشق و در عین حال عقل، تدبیر و خرد انسانهاست. این میثاق جاودانه که بین دو انسان برقرار می‌شود، تنها به عشق سپرده نمی‌شود، بلکه به دستاوردهای وسیع جامعه و تجربیات والدین نیاز دارد. بنابراین



رسید.

اکنون اگر غرب دریافته است که خانواده دچار بحران شده و به دنبال آن جامعه نیز دستخوش بحران گشته است، به این دلیل است که فقط به نیازهای جسمی توجه کرده و نیازهای روانی و عاطفی را نادیده گرفته است.

در مکتب ما خانواده همواره معزز و محترم بوده است. البته در نام گذاری سالها و روزهای مهم ما پیش قدم نبوده ایم و این غرب بوده است که به دلیل مواجه شدن با بحران اجتماعی ناگزیر سال و روزی را به نام خانواده نامگذاری کرده است، ولی فرهنگ ما حاکی از این است که همواره به اهمیت و جایگاه خانواده توجه داشته ایم و در یک کلام توجه به خانواده و فلاح آموزش خانواده، راز و رمز سعادت و فلاح جامعه است.

در بخش دوم این میزگرد، کارشناسان به پرسشهای شرکت کنندگان در گردهمایی روز جهانی خانواده پاسخ گفتند.

خانواده‌های سالم همیشه عامل انسجام، استحکام و سلامت روانی و اجتماعی جوامع به شمار آمده‌اند.

انسانهای سالم و رشد یافته در خانواده‌های سالم پرورش می‌یابند و آسیبهای اجتماعی گوناگون از خانواده‌های ناسالم نشأت می‌گیرند.

خانواده محلی است برای تأمین بهداشت روانی، جسمی و عاطفی افراد. خانواده محلی است برای رفع نیازهای افراد در تمامی ابعاد.

تعدادل حیاتی (فیزیولوژیستی به نام "آلبرت کانون" بیشترین تأکید را بر تعادل حیات جسمانی و رفع نیازهای جسمانی کرده است) و مهمتر و ارزشمندتر از آن تعادل حیاتی - روانی در اولین آموزشگاه و پرورشگاه انسان یعنی خانواده تأمین می‌شود. بنابراین اگر پدران و مادران تصور کنند که فرزندانشان فقط نیازهای جسمانی دارند و به نیازهای دیگر آنان توجه نکنند، در واقع به رشد همه جانبه نخواهند